

کرامت انسان در اندیشه امام علی (علیه السلام)

مرضیه مینایی پور^۱

^۱دانشگاه ادیان و مذاهب قم

نویسنده مسئول:

مرضیه مینایی پور

چکیده:

بی‌گمان کرامت انسانی، یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های ماهیت انسان به شمار می‌رود و مهم‌ترین گوه‌ری که خداوند تعالی در خلقت انسان به او عطا فرمود، کرامت انسانی است. انسان، به عنوان مهم‌ترین موضوع خلقت، همیشه جایگاه مهمی در اندیشه‌ها و مکاتب مختلف داشته است و به عنوان موجودی که از قوه خرد و عقلانیت برخوردار است، جایگاه ویژه‌ای در نظام هستی دارد. هدف خداوند متعال از بعثت پیامبران تزکیه و تربیت و به کمال رساندن انسان است که باز هم اهمیت کرامت انسانی را نشان داده و این موضوع را در زمره مباحث پروپیمانه‌ی اندیشه و معارف اسلامی قرار می‌دهد. کرامت حافظ بسیاری از ارزش‌های الهی و انسانی است و توجه به آن و پاسداری از حریم آن از وظایف مهم و کلیدی محسوب می‌شود و بدون تردید یکی از مهم‌ترین موضوعات قرآنی نیز می‌باشد که حول محور انسان و ویژگی‌های او سیر می‌کند. همچنین در سیره‌ی اهل بیت نیز، کرامت انسان‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که گوشه‌هایی از آن در کتاب شریف نهج‌البلاغه مشاهده می‌شود. امام علی (ع) به عنوان یک انسان کامل کرامت انسانی را در حد کمال دارا می‌باشد و هدف این مقاله بررسی کرامت انسان در اندیشه وی می‌باشد، اندیشه‌های امام علی را می‌توان از منابع گوناگون روایی، تاریخی و کتب تفسیر، فقه ... بدست آورد. مبحث کرامت انسانی در جای جای کلمات گهربار علی (ع) در نهج‌البلاغه آورده شده است از اینرو در این مقاله این کتاب مورد توجه بیشتر قرار گرفته اما از سایر منابع نیز استفاده شده است. موضوعات به روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

کلید واژه: انسان، کرامت، امام علی (ع)، نهج‌البلاغه

۱- مقدمه

انسان همان یگانه موجودی است که نه تنها ظرفیت بالقوه و استعداد پذیرش او را هیچ حد و مرزی محدود نیست، بلکه توان ظرفیت عرش الرحمان را نیز دارد. درجه‌ای را که انسان در قوس صعود می‌پیماید، مقام خلیفه‌اللهی است که از عهده‌ی هیچ مخلوق دیگری ساخته نیست. مقام انسان، انسانیت و کرامت انسانی^۱ از دیرباز تاکنون مورد توجه فراوان ادیان، فلاسفه و اندیشه‌ورزان بشری بوده است [۱]. کرامت انسانی به معنای شرف، حیثیت و احترام ذاتی برای انسان‌ها است. کرامت یک حق در کنار سایر حقوقی مانند حق حیات، حق کرامت و حق مسکن و ... نیست بلکه هویت ذاتی و سرشت وجودی انسان می‌باشد، بنابراین کرامت چیزی جز انسانیت نیست و به همین دلیل هر انسانی، قطع نظر از اینکه دارای چه فکر و عقیده، و چه مذهب و آیینی می‌باشد، چون انسان است، پس صاحب کرامت است. چنانکه در آیه‌ای که از قرآن کریم تلاوت شد خداوند به صراحت فرزندان آدم را صاحب کرامت معرفی کرده، و هرگز برخورداری از این امتیاز را مختص مومنان، مسلمانان و یا پیروان ادیان الهی نمی‌داند. کرامت وصف مشترک همه انسان‌هاست و هیچ فردی از انسان را نمی‌توان از آن استثناء نمود و با همین منطبق، قرآن کریم، صیانت و حفاظت از انسان را صیانت و حفاظت از انسانیت و از مجموعه انسان‌ها می‌داند و بعثت پیامبران نیز در راستای تزکیه و تربیت و به کمال رساندن انسان و کرامت وی می‌باشد و خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۲. «وست آن کسی که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات وی را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد، و (آنان) قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» [۲].

کرامت انسانی و پاسداشت آن در سیره و سخن معصومان (ع) نیز فراوان به چشم می‌خورد، همچنان که کوشش در دستیابی به کرامت‌های والای دیگر نیز بسیار توصیه شده است. در این میان بررسی سخنان و سیره علوی در بزرگداشت کرامت ذاتی انسان، اهمیتی افزون می‌یابد. امام علی (ع) اولین امام شیعیان، وصی منصوب پیامبر اعظم (ص) و تنها امامی است که حکومت بر جامعه اسلامی را به گونه‌ای گسترده تجربه کرده است. بررسی نگرش، افعال، موضع‌گیری‌ها و سخنان امام علی (ع) به عنوان حاکم اسلامی در مواجهه با مردم به عنوان انسان‌هایی عادی که شایسته تکریم و بزرگداشت هستند بیانگر آرای اسلامی و شیعی در این زمینه است. رهنمودها و موضع‌گیری‌های حضرت در تبیین ویژگی‌های کارگزاران حکومتی و نوع نگرش آنان به توده‌ی مردم، به ویژه کسانی که از هیچ ویژگی و خصوصیتی برخوردار نیستند، شایسته دقت و تأمل بیشتر است. رفتار امام علی (ع) به عنوان خلیفه مسلمین و حاکم قدرتمند بخش بزرگی از کره زمین، بیانگر روش حکومت بر قلب‌ها می‌باشد. امام علی (ع) سیره سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خاصی را بنیان گذاشت که باعث افتخار، گردن‌افرازی و سربلندی پیروان و دوستداران او است. این نگرش و شیوه‌ی حکومتی در دوران معاصر، بروز دیگری یافت [۳].

اندیشه‌های امام علی را می‌توان از منابع گوناگون روایی، تاریخی و کتب تفسیر، فقه ... بدست آورد. ولی تمرکز بیشتر این مقاله بر روی اندیشه‌های آن حضرت در نهج البلاغه می‌باشد اما از سایر منابع نیز استفاده شده است. نهج البلاغه کتابی است دربردارنده ۲۳۹ خطبه، ۷۹ نامه، ۴۸۰ حکمت و کلمات قصار امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - که محمد بن حسین موسوی، معروف به سید رضی (۳۵۹-۴۰۶ ق.) یکی از بزرگان شیعه، آن را در سال ۴۰۰ هجری قمری به رشته تحریر درآورده است. نهج البلاغه، پس از قرآن کریم به عنوان گرانبه‌ترین منابع اسلام به شمار می‌آید که شامل مجموعه‌ای از دستورالعمل‌هایی چون سیاست و حکومت، کلامی، فلسفی و اعتقادی، اقتصادی، جامعه‌شناسی و ... می‌شود. از منظر نهج البلاغه، کرامت دارای ابعاد گوناگون دارد که در مقاله به آن پرداخته می‌شود [۴].

تحقیقات و کارهای انجام شده در این بدین شرح می‌باشد:

در مقاله [۵] بعضی از اسباب و زمینه‌های کرامت انسان از دیدگاه نهج البلاغه ارائه و مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله خدا باوری، خود باوری، هدایت پذیری، مسئولیت پذیری، معرفت، عبادت و بندگی، خدمت از مهمترین عوامل کرامت انسان نام می‌برد. خدا باوری زمینه سازی برای رسیدن به بارگاه ربایی است. در خصوص این مطلب در نهج البلاغه سخن بسیار است نقش خدا باوری در رسیدن به ۱- انسان به کرامت ۲- در نوع نگرش انسان به دنیا ۳- در اصلاح رفتار انسان می‌باشد. امام علی (ع) به انسان گوشزد می‌کند که تو در محضر خدای عالم هستی که هیچ کاری از او پنهان نمی‌ماند. یکی دیگر از عوامل کرامت انسان و از مباحث مهم در انسان شناسی بحث خود باوری است. در خصوص زمینه‌های کرامت در این بعد عبارتند از: ۱- کرامت انسان، فلسفه هدایت تشریعی و بعثت انبیا ۲- تعالیم قرآن ۳- هدایت‌های الهی زمینه ساز بهرمندی از نعمت دنیا و آخرت می‌باشد. در واقع یکی از نمادهای کرامت انسان مسئولیت پذیری اوست. انسان مسئولیتهای

۱ - Human Dignity

۲ - سوره جمعه، ۲

متفاوتی دارد برخی از این مسئولیتها از دیدگاه نهج البلاغه عبارتند از: ۱- مسئولیت انسان نسبت به خدا و دین ۲- مسئولیت در برابر خویشتن ۳- مسئولیت در برابر خانواده ۴- مسئولیت انسان در برابر جامعه و طبیعت. ۵- مسئولیت انسان در برابر کج رویها در برابر جامعه. همچنین بیان می‌کند از دیدگاه امام علی (ع) علم، عالم و متعلم از جایگاه خاصی برخوردار هستند. یکی از سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راههای رسیدن انسان به کرامت و سعادت همه جانبه، عبادت و اطلاعات از خداوند است؛ چراکه عبادت بهترین راه تقرب به درگاه خداوند و از نزدیک‌ترین راهها برای رسیدن انسان به کرامت است. اما برخی از عبادتها که تاثیر فوق العادهای در کرامت انسان دارند عبارتند از: ۱- نماز ۲- حج ۳- دعا ۴- زکات ۵- امر به معروف و نهی از منکر.

در مقاله [۶] به مباحث مطرح شده در مقاله [۵] پرداخته شده از اینرو از تکرار مجدد آن خودداری می‌کنیم.

در مقاله [۷] ابتدا به معنای کرامت پرداخته شده و بیان شده که از منظر قرآن و حدیث در قرآن واژه کرامت استعمال نشده است، ولی واژگانی که از ریشه «کَرَم» باشند، حدود ۴۸ بار ذکر شده است. به عنوان مثال واژه «کریم» که یکی از نامهای خداوند متعال است، در این کتاب آسمانی ذکر شده است. سپس به کرامت از منظر عرفان پرداخته که کرامت «کارهای خارق العاده‌ای است که از انبیا و اولیا صادر می‌شود. بعد از بحث واژه‌شناسی و اصطلاح‌شناسی، پنج مفهوم از شأن و کرامت بیان شده است: ۱- از کارهای فرا عادت و معجزه‌آسایی که از اولیای خدا سر می‌زده به کرامات^۳ تعبیر می‌شده است. ۲- شأن و منزلت داده شده به آن دسته از کسانی که احساسی بالا و والا داشته‌اند یا دست‌اندرکار شرافتمندانه و بزرگ‌منشانه‌ای بوده‌اند، قهرمانان حماسی و میهنی شاهنامه فردوسی و ایلید و ادیسه هومر یونانی، پهلوانی‌های پوریای ولی و مانند او، جوانمردی‌های عیاران، از جان گذشتگی‌های شهیدان و آزادگان و به طور کلی حماسه‌سازان جهان در سراسر تاریخ بشری، در این رده جای می‌گیرند. ۳- منزلت و کرامت، به این دلیل که اشخاص، موجوداتی با اراده و مختارند. ۴- کرامت در وضعیت این جهانی و زمینی فرد. ۵- بها و ارزش اخلاقی درونی و ذاتی. کرامت الهی حضرت امیر(ع) در چند فراز از کلمات دلنشین خود در نهج البلاغه به کرامت خداوند اشاره می‌فرماید. کرامت الهی به معنای دقیق آن «مجد و عظمت و بزرگواری خالق نسبت به مخلوق، یعنی تبلور عشق و علاقه صانع نسبت به مصنوع و مراتب علاقه‌مندی به موجودی که نماینده و جانشین او است». در این مقاله به ابعاد کرامت از منظر نهج البلاغه، کرامت دارای ابعاد گوناگون است: ۱- کرامت الهی، ۲- کرامت اسلامی، ۳- کرامت ملکوتی ۴- کرامت انسانی. حضرت امیر(ع) در چند فراز از کلمات دلنشین خود در نهج البلاغه به کرامت خداوند اشاره می‌فرماید. کرامت الهی به معنای دقیق آن «مجد و عظمت و بزرگواری خالق نسبت به مخلوق، یعنی تبلور عشق و علاقه صانع نسبت به مصنوع و مراتب علاقه‌مندی به موجودی که نماینده و جانشین او است.» از لحاظ کرامت اسلامی از دیدگاه امام علی(ع)، مصداق اتم کرامت اسلامی همانا وجود مقدس پیامبر اکرم(ص) است که با بعثت کرامت خود، بزرگی و کرامت اسلام و مسلمین را رقم زد. کرامت انسان‌ها به عنوان واقعیتهای انکارناپذیر در اندیشه ائمه طاهرين(ع) و از جمله حضرت علی(ع) وجود دارد. سعی و اهتمام بزرگان دینی ما بر حفظ، تشریع و تبلیغ این اصل مهم قرار گرفته است. در نهج البلاغه نیز، کرامت انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. کرامت انسانی از دیدگاه نهج البلاغه از روح دمیده شده‌ی خداوند در وجود انسان منشأ گرفت و مورد تأکید همه بزرگان قرار گرفت. نهج البلاغه، با ارائه مواردی مانند: اصل برابری، عدالت، آزادی، حقوق و حفظ عزت انسانی، جلوه‌هایی از کرامت انسانی را بیان کرده است و به این طریق از همگان به ویژه از مسلمانان و شیعیان می‌خواهد تا با لحاظ کردن فکری و عملی این جلوه‌ها، در راه تحقق آنها بکوشند و کرامت انسان‌ها را پاس دارند.

در مقاله [۳] به واژه کرامت پرداخته که برگرفته از ریشه کرم بوده و بر بزرگواری، شرافت و نفاست شیء^۴ دلالت می‌کند. مظهر کرامت انسان، دارا بودن روحی خدایی است. به سبب دارا بودن این کرامتها، انسان به مقام خلافت الهی رسیده و گوی سبقت را از دیگران ربوده است. نمودهای ارج نهادن این کرامت در سخن و سیره‌ی امام علی(ع) فراوان به چشم می‌آید. برخی نمونه‌های عبارتند از: ۱- بزرگی ذاتی انسان از منظر امام علی(ع). از منظر امام علی(ع)، انسان موجودی آزاده است که در بند و یوغ نمی‌گنجد و هیچ گونه ذلتی را نمی‌پذیرد. ۲- جلوه‌ی بزرگداشت مقام انسان: بزرگداشت این مقام ویژه که برگرفته از انسانیت انسان است، در سخن و سیره‌ی امام علی(ع) مورد توجه می‌باشد. در این میدان، جنسیت، دین و مذهب و سایر فضایل انسانی مطرح نمی‌باشد. ۳- برخورداری از زندگی متعارف: نمود بارز کرامت انسانی، برخورداری از زندگی متعارف و تأمین رفاه عمومی برای افراد جامعه است. در جامعه علوی، تمام مردم حق برخورداری از زندگی آبرومندانه و مطابق با شأن خویش را دارا هستند. ۴- رعایت کرامت افراد پایین‌دست: بزرگداشت انسان، وابسته به روح انسانی است که در وجود انسان جاری است. مقام و موقعیت اجتماعی، ثروت‌اندوزی و برخورداری از بنیه‌ی مالی، شرافت نسبی و... هیچ یک موجب نمی‌شود که شخصیت

۳ - charismata

۴ - کلمه نفس از ریشه نفاست به معنی شیء گرانبه‌است همچنانکه به شیء گرانبها «نفیس» گفته می‌شود. تعبیر دیگری هست و آن «نفاست نفس» است، یعنی روح انسان به منزله یک شیء نفیس تلقی شده، و اخلاق خوب به عنوان اشیاء متناسب با این شیء نفیس، و اخلاق رذیله به عنوان اشیاء نامتناسب با این شیء نفیس که آن را از ارزش می‌اندازد.

انسانی دیگران در نظر گرفته نشود. ۵- رعایت کرامت شخصی: کرامت انسانی، هدیه خدا به انسان و بزرگداشت مقام او است. همان گونه که همه اشخاص وظیفه دارند بزرگی مقام انسان را ارج نهاده و او را گرمی دارند، خود شخص نیز موظف است این کرامت الهی را پاس داشته و آن را حفظ کند. ۶- رعایت کرامت انسانی در مقام قضاوت: یکی از مهم ترین جلوه های رعایت کرامت و شخصیت انسان، در مقام بازخواست، محاکمه و قضاوت پدید می آید. طبیعی است که احتمال انجام خطا و عمل ناشایست یکی از طرفین دعوا، بسیار زیاد است؛ زیرا رجوع به قاضی و داور، در این مرحله پدید می آید. بنابراین، سخت گیری و بی اعتنایی نسبت به مراجعان، امری دور از ذهن نیست. ۷- کرامت انسانی و دوری از گناه: از دیدگاه امام علی (ع)، شخصیت و کرامت انسانی انسان، اقتضای آن دارد که او اصول اخلاقی را پاس دارد و از ناپسندی ها دوری جوید. گناه، اوج تجلی تحقیر روح بلند انسانی است که به امور پست و حقیر دل خوش کرده و در منجلاب ناپاکی ها دست و پا می زند.

در مقاله [۸] با توجه به ضرورت تبیین دیدگاه های اسلام به کرامت انسانی در سیره سیاسی حضرت علی (ع) از بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله با تبیین دیدگاه های حضرت علی (ع) در مورد کرامت انسانی در خلقت و ضرورت شناخت کرامت انسانی بحث را آغاز نموده و با طرح جلوه های تحقق کرامت انسانی وارد موضوع اصلی شده است. نگارنده سپس اصول برابری، حفظ عزت نفس انسانی، و تکریم و احترام به شخصیت انسان را از مهمترین شاخصها یا شیوه های تجلی کرامت انسانی از دیدگاه امام علی (ع) برمی شمارد و در پایان مقاله، طی بحث کوتاهی در مورد موانع تحقق کرامت انسانی، مسئله فقر را به عنوان مانع بروز و ظهور کرامت انسانی از دیدگاه امام، مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. در این مقاله بیان می کند که مهمترین گوهری که خداوند متعال در خلقت انسان به او عطا فرمود کرامت انسانی است. برخی از شیوه ها و جلوه های تحقق کرامت انسانی از دیدگاه حضرت علی (ع) می پردازد: ۱- برابری: تمام انسانها برابر آفریده شده اند و قوم و قبیله، نسب، رنگ پوست، شرایط اقلیمی و حتی دین و مذهب، هیچ تأثیری در ماهیت انسانی ندارند. ۲- حفظ عزت نفس انسانی: مناعت طبع و عزت نفس انسانی از گوهرهای ارزشمند وجود انسان است و تحت هیچ شرایطی نباید خدشه دار شود. ۳- تکریم و احترام به شخصیت انسان می باشد. در انتهای مقاله به فقر که مهمترین مانع تحقق کرامت انسانی می باشد پرداخته است و می گوید: شاید در دنیا هیچ پدیده ای سراغ نداشته باشیم که به اندازه فقر و نیاز، مناعت طبع و عزت نفس انسانها را لگدمال کرده و از بین برده باشد.

متغیرها در این مقاله کرامت انسانی و اندیشه حضرت علی (ع) می باشد. فرضیات ما

- ۱- تعاریف کرامت
- ۲- کرامت از نگاه حضرت علی (ع).
- ۳- دیدگاه کرامت انسانی از دیدگاه حضرت علی (ع).
- ۴- آسیب پذیری کرامت انسانی در نهج البلاغه.

سوالات

- ۱- کرامت چیست؟
- ۲- چه معنایی بر آن متصور است؟
- ۳- کرامت از دیدگاه لغت دانان و حدیث شناسان چگونه تعریف می شود؟
- ۴- کرامت از دیدگاه حضرت علی (ع) چیست؟
- ۵- آسیب پذیری کرامت انسانی در نهج البلاغه چیست؟

در ادامه مقاله به این گونه سازمان دهی شده است. در بخش دوم ما به بیان کرامت انسان، معنای کرامت انسانی، اقسام کرامت می پردازیم. در بخش سوم کرامت انسان از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار می گیرد در این بخش ما به دیدگاه قرآن و ائمه می پردازیم. در بخش چهارم به کرامت از دیدگاه امام علی (ع)، حقیقت انسان، کرامت اخلاقی و حقوقی، ارزش و اعتبار هر انسان و آسیب شناسی آن صحبت می شود و نشانه ها بازتاب کرامت در اخلاق و رفتار می پردازیم. در بخش پنجم نتیجه را بیان می کنیم.

۱-۲- کرامت انسان

از دیرباز درباره انسان و کرامت وی نکته ها و سخنان فراوانی بیان شده است. مسئله ای که در زمان خلقت آدم، فرشتگان آن را مطرح کردند و با طرح پرسشی مودبانه، کرامت خود را ابراز کردند و حضرت حق جل و جلاله در جواب آنان بر کرامت و ارزش انسان اشاره فرمودند. به این موضوع ادیان و مکتب های گوناگون اعم از فلسفی، انسان شناسی، روان شناسی، حقوقی و سیاسی پرداخته و بر اهمیت آن تأکید [۲].

۱-۲-۱- معنای کرامت انسان

کرم به معنی شرافت در ذات و شرافت در اخلاق (عزت و تفوق ذاتی شیء) است. کرامت را عبارت از بزرگواری، بزرگی، بزرگی ورزیدن، بزرگواری داشتن کسی و بخشندگی دانسته‌اند. از منظر قرآن کریم، کرامت به معنی دوری از پستی و فرومایگی و به عبارت دیگر، به معنی بزرگواری است [۱]. کرامت انسان همان ارزش ذاتی اوست [۹].

در کتاب العین خلیل فراهیدی آمده: الکرم: «شرف الرجل؛ بزرگواری مرد» [۱۰]. در لسان العرب می‌نویسد: «الکرم نقیض اللؤم؛ کرم ضد دنائت و پستی» [۱۱]. بنابراین، کریم به معنای نفیس و عزیز است. و همچنین کریم به معنای بسیار بخشنده در لغت عربی نیز فراوان بکار رفته است [۱۲].

در اصطلاح علم کلام و اخلاق، توان، شایستگی و شأنی است که خداوند متعال به انسان‌های وارسته و پرهیزگار عطا می‌کند که آنان در سایه آن، کارهایی را انجام می‌دهند که دیگران قادر به آن نیستند.

کرامت مطلق حقیقی، مخصوص خداوند متعال است و پس، فقط خداوند متعال است که به‌طور مطلق از حقارت مبرا است و وصف کریم برای وی، وصفی حقیقی و ذاتی است و انسان نیز در سایه عبودیت خداوند متعال به کرامت می‌رسد. استاد جوادی آملی درباره معنای کرامت از علامه طباطبایی نقل می‌کند:

«کرامت، معادل دقیق فارسی ندارد و برای بیان آن از چند لفظ باید استفاده کرد. اگر انسان به مقامی برسد که در برابر خدا عبودیت محض پیدا کند و حاضر نباشد در مقابل غیر خدا سر بر زمین بساید می‌توان گفت: به مقام «کرامت» رسیده است. یعنی انسان هر چه به عبودیت محض نزدیک‌تر شود، به همان مقدار از هوان و حقارت رهایی پیدا می‌کند و به کرامت می‌رسد» [۱].

می‌توان گفت اکثر لغت دانان، کرامت را به معنای شرافت و بزرگواری و ضد دنائت و پستی معنا کرده‌اند.^۵ و این نکته از آن قابل استنباط است که معنای حقیقی و اصلی کرامت به معنای بزرگ منشی و شرافت و بزرگواری است و معانی دیگر، یکی از مصادیق این معنای اصلی می‌باشند [۱۳].

بنابراین هر کدام از معانی متعدد و متنوع این واژه چه وصف خداوند قرار گیرد و چه وصف انسان، بر بزرگواری و ارجمندی موصوف دلالت می‌کند.

۲-۲- اقسام کرامت

در نظام هستی سه گونه کرامت می‌توان متصور شد:

- ۱- **کرامت ملکوتی:** این نوع کرامت فراطبیعی بوده و مختص فرشتگان خداوند، عرش الاهی، کرسی الاهی و حاملان آن‌هاست؛
- ۲- **کرامت طبیعی:** این نوع کرامت مربوط به جمادات و حیوانات و موجودات طبیعی است.
- ۳- **کرامت انسانی:** این نوع کرامت که از تلفیق طبیعت و فراطبیعی به دست آمده است به دو نوع کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی تقسیم می‌شود.

۲-۲-۱- کرامت انسانی

۱- **کرامت ذاتی انسان:** به‌طور تکوینی، قابلیت و توانایی‌های خاصی به انسان عطا شده است که برای کسب آن‌ها تلاشی نکرده است، به این استعداد انسانی کرامت ذاتی گویند که حاکی از عنایت و لطف ویژه خداوند به نوع بشر است و کرامتی است که همه انسان‌ها آن را دارا هستند و دارا بودن این کرامت مایه فخر انسان و خودخواهی وی نیست بلکه مایه ستایش خداوند متعال است که چنین موجودی را با این خصوصیات عالی آفریده است چنانکه حضرتش فرمود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۶ «خجسته و پربرکت باد بر خداوند که بهترین آفریننده است».

^۵ - کتاب العین، ج ۵، ص ۳۶۸. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۱۶-۵۱۰. الصحاح الجوهري، ص ۲۰۱۹. مجمع البحرين، ج ۶. فرهنگ لاروس، ج ۲،

ص ۱۷۰۸.

^۶ - مؤمنون، ۱۴.

آیه‌های دیگری در این باره وجود دارد که به این معنا اشاره دارد مثل آیه‌های کرامت و تسخیر:**

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا».

«به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم». کرامت ذاتی انسان مایه برتریش بر دیگر آفریدگان حتی فرشتگان است [۲].

رسول گرامی (ص) می‌فرماید: «هیچ چیز نزد خدا گرامی‌تر از انسان نیست. از پیامبر پرسیدند: حتی فرشتگان؟ حضرت فرمود: آری، چون فرشتگان بسان خورشید و ماه مجبورند، ولی انسان مختار آفریده شده است.» [۱۴] «همه مردم مانند دودمان خداوندی هستند و محبوب ترین آنان نزد خداوند، سودمندترین آنان بر دودمان خداوندی است.» [۱۵]

حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر چنین می‌فرماید: در عمق دل خویش مردم را دوست داشته باش. برای مردم چون درنده‌ای مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری؛ چون آنها دو صنف‌اند: یا برادر دینی تواند یا اگر مسلمان نیستند، در خلقت مانند تو یک انسان هستند.» [۱۶]

محمد بن جعفر العقبی نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (ع) در خطبه‌ای چنین فرمود: «ای مردم! حضرت آدم (ع) نه بنده ای به وجود آورده و نه کنیزی، و همه مردم آزادند. اما خداوند تدبیر و اداره بعضی از شما را به بعضی دیگر سپرده است.» در این روایت نیز افزون بر اینکه اصالت نداشتن بردگی در اسلام ثابت شده، کرامت عموم انسان‌ها با اسناد حریت، که آزادی و آزادگی است، تأیید شده است. بر همین اساس، نمی‌توان صرف داشتن عقیده خاص را دلیل امتیاز دهی در اعطای حقوق اجتماعی و شهروندی دانست؛ زیرا وقتی گفته می‌شود «انسان کرامت ذاتی دارد»، مراد از کرامت ذاتی، محمولی است که مقوم موضوع است؛ یعنی چیزی که تصور انسانیت انسان بدون آن ممکن نیست. به عبارت دیگر، کرامت ذاتی، ارج و حرمتی است که انسان از آن رو که انسان است، از آن برخوردار است. این کرامت، غیرقابل انفکاک و انتزاع از وجود انسان است. هیچ گونه ارتباطی با عقیده، نژاد، مذهب و مانند اینها ندارد. به گونه‌ای که حتی با ارتکاب جرم و جنایت نیز از آدمی سلب نمی‌شود [۱۵].

۲- کرامت اکتسابی انسان: منظور از کرامت اکتسابی، کرامتی است که در سایه ایمان و اعمال صالح اختیاری به دست می‌آید و هر کس فراخور معرفت و عمل خویش از این نوع کرامت کسب می‌کند. به عبارت دیگر کرامت اکتسابی، برخاسته از کوشش انسان در راه سیر الی الله است و استعداد کسب این نوع کرامت در تمام انسان‌ها وجود دارد فقط مؤمنان، در سایه آموزه‌های وحیانی به مراتب والای آن می‌رسند تا جایی که مسجود فرشتگان قرار می‌گیرند. خداوند در آیات مختلف قرآن، از جمله آیه ۱۲۶ سوره بقره می‌فرماید: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ». از این آیه، چنین برمی‌آید که خداوند بهره‌مندی از مواهب طبیعی در این دنیا را بر همه انسان‌ها، صرف نظر از ایمان و اعتقاد آنان، مقرر می‌دارد.

در روایتی از ائمه اطهار آمده است. «هیچ موجودی نزد خداوند گرامی‌تر از مؤمن نیست، زیرا ملائکه خادمان مؤمنین‌اند».

تمام انسان‌ها از آن جهت که انسانند کرامت ذاتی را دارند اما کرامت اکتسابی را برخی از افراد بشر دارا هستند. معیار کرامت و عزت انسان، بندگی و عبودیت است و اتصاف به اوصاف الهی معیاری برای آن است و یگانه فخر انسان، مخلوق و در سایه خدا بودن است. حضرت در این باره می‌فرماید: خداوند متعال معیار کرامت انسان را طبق آیه شریفه ذیل تقوا معرفی می‌فرماید: با کرامت‌ترین شما در نزد خداوند متعال، باتقواترین شماست [۲].

۳- کرامت انسان در اسلام

موضوع کرامت انسانی از مباحث پروپیمان‌های اندیشه اسلامی نسبت به انسان است به گونه‌ای که تمام حقوق و تکالیف انسان با این موضوع گره می‌خورد. کرامت انسان در قرآن کریم به صورت گسترده مورد توجه قرار گرفته و در احادیث و سیره رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) معیار تعاملات و رفتارها بر رکن کرامت انسان استوار گشته است [۱۵].

*** چندی نمونه از این آیه‌ها عبارتند از: نساء، ۲۸؛ معارج، ۱۹؛ ابراهیم، ۳۳؛ احزاب، ۷۲؛ اعراف، ۱۷۹؛ تین، ۵؛ جاثیه، ۱۳؛ بقره، ۲۹.

۷- اسراء، ۷۰.

۱-۳- کرامت انسان از دیدگاه قرآن

واژه «انسان» شصت و پنج مرتبه و کلمه «بشر» سی و هفت مرتبه و واژه «بنی آدم» هفت بار در قرآن کریم ذکر شده است. افزون بر آن، یک سوره در قرآن به نام انسان^۸ نامگذاری شده است، که حاکی از نهایت اهتمام قرآن به انسان می باشد. آیات الهی انسان را برتر از دیگر موجودات، خلیفه خدا در زمین^۹ و دارای بالاترین ظرفیتها و قابلیت های علمی نامحدود و آشنا به همه حقایق هستی^{۱۰}، برخوردار از فطرتی خدا آشنا^{۱۱} بهره مند از عنصری ملکوتی و الهی در سرشت خود و آراسته شده با روح خداوند^{۱۲} موجودی آزاد، مستقل، انتخابگر و امانت دار خداوند در زمین^{۱۳}، بهره مند از وجدان اخلاقی و ملهم به خیر و شر، قدرت درک زشتی ها و زیبایی ها^{۱۴}، مسلط بر طبیعت، زمین و آسمان^{۱۵} و دارای کرامت ذاتی معرفی می نماید.

می توان گفت که اساسا تعلیمات آسمانی بر کرامت انسان استوار گردیده است. خداوند همه مبادی تربیتی انسان را با وصف کرامت می ستاید. از سوی دیگر، برنامه خود را با دستان سفرای کریم و از مجری و فیض کرامت در اختیار بشر قرار داده است: «بأیدی سفره کرام بره». خود قرآن نیز کتابی است کریم: «إنه لقرآن کریم»^{۱۶} و همچنین انسان کاملی که این کتاب را جهت ابلاغ به عموم مردم، دریافت کرده به وصف کرامت ستوده شده است: «إنه لقول رسول کریم»^{۱۷}. بنابراین همه ی مبادی و علل و لوازمی که در متن یا حاشیه ی این کتاب قرار دارند، همراه با کرامت است. و این خود شاهد قطعی است بر اینکه خداوند متعال می خواهد انسان ها را مانند فرشته ها به مقام والای کرامت برساند، از این رو برنامه ی انبیا تکریم انسانها ست و در این راستا پیامبر بزرگ اسلام فرمود: «أما بعثت لا تممم مکارم الاخلاق»^{۱۸} [۱۸].

۲-۳- کرامت انسان در اندیشه امام رضا(ع)

کرامت در اندیشه و سیره امام رضا(ع) به بهترین شکل بازتاب یافته است. ذکر روایات تاریخی از زندگانی امام هشتم گویای عمق فهم و درک ایشان از ارزش و کرامت انسان به صرف انسانیتش است. ابراهیم بن عباس نقل می کند که هرگاه آن حضرت تنها می شد و سفره ای گسترده می گشت، تمام بردگان و غلامانش، حتی دربان و کارپرداز خانه را هم بر سر سفره می نشاند. یاسر از خادمان حضرت نیز نقل می کند؛ امام رضا به ما همواره می فرمود: اگر من بالای سر شما ایستادم و شما در حال غذا خوردن بودید، بلند نشوید تا این که از غذا خوردن فارغ شوید و باز هم ابراهیم بن عباس ادب برخواسته از نگاه کرامت محورانه امام را چنین توصیف می کند: هیچ گاه ندیدم امام ابوالحسن الرضا(ع) کلمه ای به زیان کسی بگوید و نه سخن کسی را پیش از پایان آن قطع کند و نه نیاز کسی را که می توانست برآورد، برنیورد. هیچ گاه نزد کسی که در حضور او نشسته بود، پایش را دراز نکرد و بر تکیه گاهی در برابر افراد تکیه نداد، به دوستان و کارکنانش هرگز سخنی ناشایست نگفت و در سیره امام رضا(ع) حفظ آبرو و حرمت انسان تا جایی است که بنابر یک روایت تاریخی، پس از آن که حضرت رضا(ع) به مرد در راه مانده خراسانی مساعدت مالی نمود، صورت خود را پوشانیده بود. سلیمان(یکی از شاهدان) از امام پرسید: فدایت شوم! با آن که بخشش شما زیاد بود(دویست دینار)، چرا صورت خود را پوشانیدید؟ امام فرمودند: از ترس این که مبدا خفت و خواری نیازمندی را در چهره اش مشاهده کنم. روایات تاریخی فوق نشان می دهد که از دیدگاه امام رضا(ع) همه ی افراد انسان از نظر انسانیت مقام و ارزش برابر دارند و حضرت خود نسبت به حرمت انسانها سخت حساس بود و تا جای ممکن کرامت آنان را پاس می داشت. ایشان با تحقیر و پست شمردن و توهین به یک انسان به سختی مقابله می نمودند. حتی غلامان سیه چرده و حتی غیرمسلمانان در نظر او محترم و عزیز بود و با همه ی اقشار به عنوان انسان و هم نوع رفتار می کردند [۱۷].

۸- سوره ۷۶ که سوره «الدهر» نیز خوانده می شود.

۹- انعام، ۱۶۵.

۱۰- بقره، ۳۳- ۳۱.

۱۱- اعراف، ۱۷۲ و روم، ۴۳.

۱۲- سجده، ۹.

۱۳- احزاب ۷۲ و دهر، ۷۳.

۱۴- والشمس، ۹- ۸.

۱۵- بقره، ۲۹ حاشیه، ۱۳.

۱۶- واقعه، ۴۰.

۱۷- الحاقه، ۴۰.

۱۸- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۰.

۴- کرامت از منظر امام علی(ع)

امام علی(ع) اولین امام شیعیان، وصی منصوب پیامبر اعظم (ص) و تنها امامی است که حکومت بر جامعه اسلامی را به گونه‌ای گسترده تجربه کرده است. بررسی نگرش، افعال، موضع‌گیری‌ها و سخنان امام علی(ع) به عنوان حاکم اسلامی در مواجهه با مردم به عنوان انسان‌هایی عادی که شایسته تکریم و بزرگداشت هستند بیانگر آرای اسلامی و شیعی در این زمینه است [۳].

کرامت ذاتی انسان، هدیه الهی بر جامعه بشری است. این کرامت آغازین فراتر از شاخصه‌های بزرگی و بزرگ‌زادگی متداول است که در مقابل دیدگان مردم قرار می‌گیرد. این والایی مربوط به جنسیت، دین، مذهب، قوم، ملیت، نژاد و فرهنگ خاصی نیست.

۴-۱- کرامت انسان در سیره امام علی(ع)

حضرت علی(ع) ویژگی‌های شخصیتی انسان‌های کریم و متقابلاً لئیم را بر شمرده و انسان‌ها را سفارش مؤکد فرموده که از صراط کرامت انسانی و الهی دور نشوند که در این صورت سعادت دنیا و آخرت را برای خود تضمین خواهند نمود و آموزه‌های نهج‌البلاغه بتواند فراروی اندیشه و عمل همه آزاداندیشان و مؤمنین الهی قرار گیرد تا در جهت حفظ کرامت انسانی کوشا باشیم. کرامت انسانی یکی از مسائل مهم زیربنایی و اساسی است که اگر بشریت آن را مورد مطالعه و شناخت قرار دهد در پرتو آن می‌تواند راه گشای حق و حقیقت گشته و راه حل بسیاری از معضلات و مشکلات جامعه بشری را به دست آورد. امام علی(ع) کرامت را به معنای متعددی به کار برده از جمله بلندهمتی، پرداختن به اهداف متعالی و دوری از پستی‌ها و اهداف پست می‌داند چنان که در غررالحکم و دررالکلم می‌فرماید: **همانا کرم عبارتست از اجتناب از بدی‌ها، کرم عبارت از خوش‌رویی و دوری از پستی‌هاست، کرم نتیجه بلند همتی است [۱۹].**

آدمی برای رسیدن به عزت و بزرگی سه اصل را می‌بایست رعایت کند و آنها را در طول زندگی خویش به کار بندد.

۱- ایمان و محبت به خدا: بالاترین ایمان و بالاترین محبت‌ها، محبت به خداوند می‌باشد. زیرا جز او کسی سزاوار ایمان ورزیدن و محبت کردن نیست.

۲- خضوع و خشوع در محضر خداوند متعال: عزت و بزرگی در دستان باری تعالی است چنانچه طالب این بزرگی هستی، می‌بایست مقابل ایزد منان خاضع و خاشع باشی. چنانچه در این مورد، حضرت امیر المومنین در حکمت ۱۲۳ می‌فرماید: «خوشا به حال آن کس که خود را کوچک می‌شمارد.» یا در فرازی از نامه ۳۱ چنین می‌فرماید: «آنگاه که به راه راست هدایت شدی در برابر پروردگارت از هر فروتنی خاضع تر باش.»

۳- اطاعت محض از پروردگار عالمیان: پارسایی یعنی اطاعت محض از خداوند. چنانچه بنده، پارسایی پیشه نماید و اوامر خداوند را در هر زمینه‌ای به کار بندد، قطعاً عزت خدادادی نصیبش خواهد گردید [۲۰].

۴-۲- حقیقت انسان

در خطبه نخست نهج‌البلاغه، پس از بیان خلقت مادی انسان از خاک و تشکیل جسمانی او از عناصر مادی، آمده است: **ثُمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رَوْحِهِ فَمَثَلَتْ أَنْسَانًا ...** سپس در آن خاک (بدن خاکی و مادی انسان) از روح خود دمید، پس تمثلی انسانی پیدا کرد. این بیان در آیات دوازده تا چهارده سوره مؤمنون آمده و با عنوان «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» وجود انسان را از موجودات دیگر متمایز کرده است. بر اساس این خطبه، تمثّل حقیقی انسان پس از نفخ روح است، یعنی شکل‌گیری بدن مادی انسان، مربوط به مجسمه یا بدن انسان است؛ نه خود انسان، و تنها پس از آنکه روح در او دمیده شد، تمثّل انسانی یافت و عنوان انسان بر او صادق شد.

نقش آدمی بر دیوار، تنها نقش اوست، نه خود آدم، جسم بی‌روح نیز تن آدمی است؛ نه خود آدم، آدمیت آدم به نفخ روح در بدن اوست. امیرمؤمنان علی(ع) در ادامه همین خطبه می‌فرماید: **... ذَا أَذْهَانٍ يَجِلُّهَا، وَ فِكْرٍ يَتَصَرَّفُ بِهَا، وَ جَوَارِحٍ يَخْتَدِمُهَا وَ أَدَوَاتٍ يَقْلِبُهَا وَ مَعْرِفَةٍ يَفْرُقُ بِهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ ...** دارای نیروی اندیشه که وی را به تلاش اندازد و افکاری که در دیگر موجودات تصرف کند و به انسان اعضای بخشید که در خدمت او باشند و ابزاری که در زندگی به کار گیرد، شناختی که با آن حق و باطل را تشخیص دهد.

از دید نهج البلاغه همه این آثار به حقیقت انسانی انسان است؛ حقیقتی که با دمیدن روح در بدن حاصل می‌شود. افعال و حالات انسانی به جهت روح دمیده شده در بدن است، لذا در خطبه اول نهج البلاغه آمده است: پس از نفخ روح در بدن، تمثیل انسانی حاصل می‌شود و وجود ذهن، فکر، اندیشه، حرکت اندیشمندانه، قبول حق و رد باطل یا قدرت انتخاب و تمیز بین اشیا به وجود می‌آید. قالب جسمی آدمی که روح در آن دمیده نشده باشد، اگرچه تمثیل جسمی دارد، ولی تمثیل حقیقی انسانی ندارد، لذا پس از بیان «نفخ فیها من روحه» عبارت «فمیلث انساناً» را مطرح فرمود تا معلوم شود تمثیل حقیقی انسان با همراهی روح با بدن است. تمام ویژگی‌های انسانی انسان در اثر دمیده شدن روح در بدن است، همان گونه که پس از مرگ که روح از بدن جدا می‌شود، بدن جسدی بیش نیست و مانند دیگر اجسام عالم جماد است.

شخصیت آدمی در اثر جان آدمی است و تشکل جان با نفخ روح است، از این رو اگر ارزش انسان را به تفکر، حرکت آگاهانه و تمیز حق از باطل و دخالت اختیار او در انتخاب حق و رد باطل بدانیم، همگی با دمیده شدن روح در بدن ممکن است. امیرمؤمنان (ع) در ادامه خطبه اول، با بیان «و جوارح یختمها» روح را قدرت تصرف کننده بدن معرفی می‌نماید که بدن به عنوان ابزاری در خدمت اوست و فعالیت‌های بدنی براساس چگونگی حالات مختلف روحی انجام می‌شود. مثلاً اگر دستی بر سر افتاده‌ای می‌کوبد یا دست او را می‌گیرد، خود دست، به عنوان جسم، هیچ یک از دو حالت را اقتضا نمی‌کند، بلکه حالت روحی حاکم بر جسم، دست را به یکی از این دو وا می‌دارد [۲۱].

۴-۳- کرامت اخلاقی و حقوقی

کرامت انسان همان گونه که به دو نوع تکوینی و اکتسابی یا طبیعی و ارزشی قابل تقسیم می‌باشد، از منظری دیگر به دو نوع اخلاقی و حقوقی یا فردی و اجتماعی نیز قابل دسته بندی است. اگر مبنای دسته بندی نخست، ملاحظه انسان از نظر طبیعی و ارزشی بود، معیار این دسته بندی رابطه فرد با دیگران است. به عبارت دیگر، اگر فرد انسانی تنها و بدون هیچگونه رابطه‌ای با دیگران در نظر گرفته شود، در این صورت کرامت انسان؛ چه کرامت طبیعی و چه ارزشی، عنوان اخلاقی می‌یابد و صرفاً از منظر اخلاق، ارزشمند و شایسته احترام دانسته می‌شود و اثر دیگری بر آن مترتب نخواهد بود. از این منظر تمام ویژگی‌ها و امتیازات افراد انسانی، اعم از تکوینی و ارزشی، فردی شمرده شده و نسبت به خود فرد دارای اهمیت می‌باشد؛ به گونه‌ای که دیگران در قبال آن امتیازات و خصایص هرچند بسیار برجسته و متعالی، هیچ گونه مسئولیتی نخواهند داشت و همه امتیازات و اختصاصات افراد، مزایا و ارزش‌های فردی تلقی گشته و در نتیجه، کرامت انسان به هر معنا که باشد یک ارزش کاملاً فردی خواهد بود و ثمره و بهره اجتماعی نخواهد داشت. اما اگر فرد انسانی در رابطه با دیگران و به لحاظ ارتباطات وی با سایر افراد، مد نظر قرار گیرد، در این صورت؛ کرامت انسان معنای حقوقی و اجتماعی پیدا می‌کند و بنابراین معنا، دارای آثار و پیامدهای اجتماعی و حقوقی خواهد بود. به بیان دیگر، زمانی که فرد انسانی در ظرف روابط اجتماعی و در درون جامعه مورد مطالعه و بررسی واقع شود، در این فرض، کرامت وی دارای آثار حقوقی و پیامدهای اجتماعی می‌باشد. زیرا در این حالت، دیگران به ویژه حکومت نمی‌توانند نسبت به آن، بی تفاوت باشند. فرد در جامعه و در ظرف روابط اجتماعی دارای حقوق و تکالیفی می‌باشد که در قبال دیگران و نسبت به سایر افراد و در رابطه فرد با جامعه و به خصوص در روابط سیاسی وی قابل طرح می‌باشد. اگر این مسئله را با توجه به حقوق شهروندی و با عنایت به حقوق مدنی و سیاسی افراد در نظر بگیریم، اهمیت این مسئله بیش از پیش آشکار می‌شود. و مهمتر از آن، این که اگر فرد انسانی در درون جامعه سیاسی خاص و به ویژه جامعه سیاسی ایدئولوژیک مورد توجه قرار گیرد، اهمیت کرامت انسان و به طور خاص، کرامت ارزشی و اکتسابی وی دو چندان خواهد گردید. شاهد زنده و دلیل روشن این مدعا، واقعیت‌های اجتماعی و مسائل مطرح در عرصه حقوق شهروندی و امتیازات افراد در جوامع سیاسی مختلف و کشورهای گوناگون می‌باشد. با مروری گذرا بر فرازهایی از نهج البلاغه امیرالمومنین (ع) به نکات آموزنده‌ای در رابطه با کرامت اجتماعی افراد و شهروندان بر می‌خوریم. چنانکه آن حضرت خطاب به یکی از کارگزاران می‌نویسد: و به او سفارش می‌کنم که با مردم تندخو نباشد و به آنها دروغ نگوید و به جهت این که بر مردم حکومت دارد، به آنان بی‌اعتنایی ننماید. زیرا آنان برادران دینی‌اند^{۱۹}. و در همین رابطه، خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: مهربانی با مردم را پوشش دل خود قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی. زیرا مردم دو دسته‌اند: یا برادر تو در دین و یا همانند تو در آفرینش‌اند^{۲۰}. همچنین، به دنبال شکایت جمعی از شهروندان نسبت به بد رفتاری یکی از کارگزاران، خطاب به وی می‌فرماید: همانا کشاورزان محل حکومت تو از خشونت و قساوت و تحقیر و بد رفتاری تو به من شکایت نمودند. من در این باره اندیشیدم. نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم، چون مشرکند و نه سزاوار بد رفتاری، زیرا با ما هم عهدند^{۲۱}. بر اساس این سخنان ارزشمند و

۱۹ - نهج البلاغه، نامه ۲۶.

۲۰ - نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲۱ - نهج البلاغه، نامه ۱۹.

رهنمودهای راهگشا به این نتیجه می‌رسیم که در نظام دینی و در پرتو حکومت اسلامی، تمام افرادی که به عنوان شهروند جامعه سیاسی و تابع حکومت اسلامی به شمار می‌روند از کرامت اجتماعی در حد ضرورت، برخوردارند و کسی، به ویژه حکومت و حاکم اسلامی نمی‌تواند نسبت به این اندازه از کرامت اجتماعی شهروندان، بی‌تفاوت باشد یا آن را نادیده بگیرد. پس به دلیل این که کرامت اجتماعی در ظرف رابطه فرد با دیگران مطرح می‌شود، به این نتیجه می‌رسیم که شرط لازم برای کرامت اجتماعی یا حقوقی، داشتن تابعیت نظام سیاسی است. به طوری که اگر کسی تابعیت؛ یعنی همان پیوند معنوی، حقوقی و سیاسی را با نظام سیاسی نداشته باشد، علی‌رغم این که ممکن است به لحاظ فردی در حد زیادی از کرامت طبیعی و ارزشی برخوردار باشد اما به دلیل فقدان رابطه لازم با جامعه، نمی‌تواند از کرامت اجتماعی یا حقوقی بهره‌مند باشد [۴].

۴-۴- ارزش و اعتبار هر انسان

امام فرمود: قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدَرِ هِمَّتِهِ، وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدَرِ مَرْوَةِ، وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدَرِ أَتْفَتِهِ، وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدَرِ غَيْرَتِهِ. ارزش هر کس به اندازه همت او و راستگویی و صداقت هر کس به اندازه شخصیت اوست و شجاعت هر کس به اندازه بی‌اعتنایی وی (به ارزش های مادی) است و عفت هر کس به اندازه غیرت اوست^{۲۲}. در این حکمت ارزش انسان به چهار دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- ارزش هر کس به اندازه همت اوست.
- ۲- راستگویی و صداقت هر کس به اندازه شخصیت اوست.
- ۳- شجاعت هر کس به اندازه بی‌اعتنایی او (به ارزش های مادی) است.
- ۴- عفت هر کس به اندازه غیرت اوست.

چهار فضیلت مهم اخلاقی امام علی (علیه السلام) در این چند جمله بدین شرح تفسیر می‌شود. نخست می‌فرماید: «ارزش هر کس به اندازه همت اوست^{۲۳}». منظور از همت تصمیماتی است که انسان برای انجام کارهای مهم می‌گیرد و به دنبال آن تلاش می‌کند. هر اندازه این تصمیمات والا تر و این تلاش‌ها گسترده باشد همت انسان بلندتر است و این که امام می‌فرماید: ارزش هر کسی به اندازه همت اوست برای آن است که اشخاص والا همت معمولاً تلاش می‌کنند تا به مقامات عالی برسند پس نباید ارزش وجودی ظاهری آنها را امروز ملاحظه کرد بلکه آن نیروی نهفته در درون آنها که نامش همت است باید مقیاس و معیار شمرده شود. در کتاب غررالحکم از امام همین معنا به صورت دیگری بیان شده است. می‌فرماید: مَنْ شَرَقَتْ هِمَّتُهُ عَظُمَتْ قِيَمَتُهُ؛ «کسی که همت عالی داشته باشد قیمت و ارزش او زیاد است». در حدیث دیگری از همان حضرت و در همان کتاب می‌خوانیم: مَا رَفَعَ أَمْرَءَ كَهَمَّتِهِ وَلَا وَضَعَهُ كَشَهْوَتِهِ؛ هیچ چیز انسان را به مانند همت او بلندمقام نمی‌کند و هیچ چیز، او را مانند شهوتش پست نمی‌سازد^{۲۴}.

دومین جمله پرمعنای خود می‌فرماید: راستگویی و صداقت هر کس به اندازه شخصیت اوست^{۲۵}؛ زیرا انسان با شخصیت این کار را برای خود ننگ می‌داند که به دیگران دروغ بگوید. اضافه بر این، غالباً دیده شده است که دروغ‌ها بعد از مدتی فاش می‌گردد؛ انسان با شخصیت حاضر نمی‌شود کاری انجام دهد که در آینده آبروی او را ببرد.

در احادیث دیگری از امام می‌خوانیم: راستگویی سبب عزت است. یکی از باران امام صادق به نام ابوکهمس خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد: (یار وفادار شما) ابن ابی یعفور به شما سلام فرستاده است فرمود: سلام بر تو و بر او. هنگامی که نزد او رفتی سلام مرا به او برسان و بگو. جعفر بن محمد به تو می‌گوید: نگاه کن ببین علی (ع) با چه صفاتی آن مقام را نزد رسول خدا پیدا کرد آن صفات را داشته باش، زیرا علی تنها به این سبب به آن مقام نزد پیغمبر رسید که در سخن گفتن، صادق بود و در ادای امانت امین.

این سخن را با حدیثی از پیغمبر اکرم (ص) پایان می‌دهیم، فرمود: «جمال، به سخن حق گفتن است و کمال، به انجام کارهای نیک توأم با صدق».

۲۲ - نهج البلاغه، حکمت ۴۷.

۲۳ - قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدَرِ هِمَّتِهِ.

۲۴ - وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدَرِ مَرْوَةٍ.

سپس در سومین سخن حکمت آمیز خود می‌فرماید: «شجاعت هر کس به اندازه بی‌اعتنایی او (به ارزش های مادی) است»^{۲۵}؛ روشن است وابستگی های انسان به مقام و مال و شهوات دنیا از شجاعت او می‌کاهد و او را به اسارت می‌کشاند؛ اما هنگامی که خود را از این امور آزاد سازد، با شجاعت حرف خود را می‌زند و راه خود را می‌پیماید و در برابر کسی ذلیلانه سر تعظیم فرو نمی‌آورد و با توکل بر خدا در برابر حوادث سخت می‌ایستد. در لسان العرب آمده است که «أَنْفٌ» (بر وزن هدف) به معنای کراهت داشتن چیزی و خود را برتر از آن دانستن است، بنابراین «أنف» در جمله بالا می‌تواند اشاره به بی‌اعتنایی نسبت به ارزش های مادی باشد.

آن گاه امام در چهارمین و آخرین سخن حکیمانه‌اش می‌فرماید: «عفت هر کس به اندازه غیرت اوست»^{۲۶}؛ «غیرت» به گفته بعضی از شارحان نهج البلاغه عبارت از انزجار طبیعی انسان نسبت به تصور شرکت دیگران در اموری است که مورد علاقه اوست و به تعبیر دیگر غیرت به معنای حفظ ارزش های مربوط به خود و جلوگیری از تجاوز دیگران به حریم اوست که غالباً در عرف ما در امور ناموسی به کار می‌رود. بدیهی است کسی که نسبت به نوامیس خود غیرت دارد هرگز حاضر نمی‌شود به نوامیس دیگران چشم خیانت بدوزد، بنابراین هر اندازه غیرت انسان بیشتر باشد عفت او هم بیشتر خواهد بود.

گرچه عفت و غیرت هر دو غالباً در عرف امروز ما بیشتر در مسائل ناموسی به کار می‌رود؛ ولی از نظر ارباب لغت و علمای اخلاق، هر دو معنایی وسیع دارند: «عفت» به معنای خودداری و حالت انزجار از ملاحظه صحنه های زشت و «غیرت» هرگونه اهتمام و دفاع از حقوق الهی و انسانی خویش است و بعید نیست که منظور از امام از جمله بالا همان معنای وسیع کلمه در هر دو مورد باشد^[۲۲].

۴-۵- نشانه ها و بازتاب کرامت در اخلاق و رفتار از دیدگاه امام علی(ع)

برای هر صفت و خصلت انسانی نشانه ها و آثاری است که در خلق و خوی بشر خود را نشان می‌دهد. کسی که اهل تقواست می‌بایست اهل کرامت باشد، از آن جایی که نمی‌توان تقوا که امر باطنی است را به سادگی ردگیری کرد و در شخص شناسایی نمود، می‌بایست به آثار و بازتاب های آن توجه یافت؛ از آن جایی که مهم ترین برآیند و بازتاب تقوای الهی شخص همان کرامت انسانی اوست، پس می‌بایست اهل تقوا را به کرامت شناخت. اهل کرامت نیز نشانه هایی دارند که برخی از آنها مانند جود و بخشش و مانند آن گفته شده است. در این جا به مهم ترین برآیند و بازتاب های رفتاری شخص کریم اشاره می‌شود تا این گونه هم کرامت و هم تقوای شخص دانسته و میزان و درجه آن به دست آید.

- ۱- صبر و شکیبایی: یکی از برآیندها و بازتاب های کرامت شخص، در صبر شدید است؛ به این معنا که در مشکلات و مصیبت های سخت و امور مکروه و ناخوشایند به شدت اهل صبر است و فزع و جزع نمی‌کند. از همین روست که امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: *الکرم حسن الاصطبار؛ بزرگواری و کرم به نیکویی صبر و شکیبایی بسیار است*^{۲۷}.
- ۲- رفق و مدارا: رفق و مدارا کردن در برابر کسانی که در حق او بدی می‌کنند از دیگر نشانه های اهل کرامت است. پیامبر(ص) در این باره می‌فرماید: *رفق و نرم خویی کرامت است*^{۲۸}. امیرمومنان علی(ع) نیز می‌فرماید: *نرم خویی و ملاطفت با بستگان و همراهان از کرامت طبایع و سرشت هاست*^{۲۹}.
- ۳- نرمی: از دیگر نشانه های کریم نرمی در برابر قساوت و سنگدلی است. امام امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: *شخص کریم هرگاه به او مهر و محبت می‌شود، نرم می‌گردد و فرومایه و پست، هرگاه با او به نرمی و ملاطفت رفتار شود، سخت می‌شود*^{۳۰}. ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: *نرم و لین بودن سخن، از کرامت و بزرگواری است*.
- ۴- مالکیت بر زبان و بذل احسان: امام علی(ع) می‌فرماید: *کرم و بزرگواری، مالک بودن زبان و بذل احسان است*^{۳۱}.

^{۲۵} - وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدَرِ أَنْفَتِهِ.

^{۲۶} - وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدَرِ غَيْرَتِهِ.

^{۲۷} - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۸۰.

^{۲۸} - بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۴۱۴.

^{۲۹} - ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۵۹.

^{۳۰} - بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۱.

^{۳۱} - غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۷۸.

- ۵- اخلاق نیکو: از دیگر نشانه‌های کرامت انسانی نیکویی خلق و پرهیز از پستی است. امام علی(ع) می‌فرماید: کرم و بزرگواری نیکویی خلق و پرهیز از پستی است.^{۳۲}
- ۶- عفو، گذشت و صفح: امام علی(ع) می‌فرماید: کریم و بزرگوار هرگاه قدرت (بر انتقام) پیدا کند، گذشت می‌کند و هرگاه مالی به دست آورد، بخشش می‌کند و هرگاه چیزی از او خواسته شود، برآورده می‌سازد.^{۳۳}
- ۷- نداشتن حسد: امام علی(ع) نداشتن حسد را از نشانه‌ها و خصوصیات شخص کریم معرفی دانسته و می‌فرماید: کریم و بزرگوار، از رشک و حسد بیزار است.^{۳۴}
- ۸- تغافل: تغافل و خود را به غفلت زدن را از اوصاف کریم و نشانه‌های آن است. امام علی(ع) می‌فرماید: آدم کریم و بزرگوار، خود را به غفلت می‌زند و به ظاهر فریب می‌خورد.^{۳۵} آن حضرت هم چنین می‌فرماید: بالاترین و شریف‌ترین اخلاق کریم آن است که بسیاری چیزهایی که می‌داند، نادیده بگیرد.^{۳۶} تغافل، عبارت است از این که انسان، از مطلبی آگاهی داشته باشد و به خاطر مصلحت، خود را غافل و بی‌خبر نشان دهد و به گونه‌ای رفتار کند که طرف مقابل گمان برد؛ او بی‌خبر است و بدین وسیله، رشته محبت و دوستی میان او و آن شخص گسسته نمی‌شود و رقابت حسنه به سردی نمی‌گراید.
- ۹- شاکر بودن: از نشانه‌های دیگر اهل کرامت شکرگزاری اوست. امام علی(ع) می‌فرماید: شخص کریم به عطای کم هم شکر می‌گذارد و شخص پست، زیاد را هم کفران می‌کند.^{۳۷}
- ۱۰- نماز شب: نماز شب و شب زنده داری، نشانه کرامت و کریم بودن مؤمن است.
- ۱۱- برآوردن حاجت دیگران: امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: کریم کسی است که چون دستش (از نظر مالی) باز باشد، حاجت مردم را روا کند و چون تنگدست باشد، عطا را سبک و کمتر کند و یکسره ترک نکند.
- ۱۲- گشاده رو بودن: از دیگر نشانه‌های کریم خوشرویی و گشاده رویی اوست. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: بر کرم مرد، به خوشرویی او و بذل احسانش استدلال می‌شود.^{۳۸}
- ۱۳- نداشتن کینه: امام علی(ع) می‌فرماید: شخص کریم، کینه ورز و اهل حقد نخواهد بود.^{۳۹}
- ۱۴- داشتن زاد و راحله نیکو در سفر: پیامبر(ص) می‌فرماید: کرامت مرد آن است که در سفر، زاد و راحله نیکو و پاکیزه داشته باشد.^{۴۰}
- ۱۵- گرامی داشتن مهمان: امام علی(ع) می‌فرماید: نیکی کردن به میهمان، از کرائم اخلاق است.
- ۱۶- نیکی کردن به والدین: امام علی(ع) می‌فرماید: از کرامت و داشتن طبع کریم آن است که به پدر و مادر نیکی کنید.^{۴۱}
- ۱۷- امین بودن: امام علی(ع) می‌فرماید: حفظ کردن ترکه و دارایی برادر مؤمن، پس از مرگ، از کرامت و بزرگواری است.^{۴۲}
- ۱۸- گریستن بر زمان از دست رفته: امام علی(ع) می‌فرماید: از بزرگواری و کرامت است، گریستن انسان بر زمان از دست رفته‌اش و اشتیاق او به زادگاهش و حفظ کردن دوستان و برادرانش.^{۴۳}
- ۱۹- مقدم داشتن آبرو بر مال: امام علی(ع) می‌فرماید: بزرگواری به برگزیدن آبروست و بر دارایی و پستی برگزیدن دارایی است بر مردان.^{۴۴}
- ۲۰- بی‌ارزشی دنیا: امام علی(ع) می‌فرماید: کسی که نفس او نزدش گرامی است، دنیا در نظرش کوچک است.^{۴۵}

۳۲- همان، ص ۸۱.

۳۳- همان، ص ۶۷.

۳۴- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۲.

۳۵- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۴۵۰.

۳۶- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۶۸.

۳۷- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۳.

۳۸- تحف العقول، ص ۷۴.

۳۹- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۶۴۹.

۴۰- مستدرک الوسائل، المیزان حسین النوری الطبرسی، ج ۸، ص ۲۱۶.

۴۱- بحار الأنوار، ج ۲۱/۱، ص ۳۷۶.

۴۲- بحار الأنوار، العلامة المجلسی، ج ۷۵، ص ۲۰۶.

۴۳- بحار الأنوار، جلد ۷۴ صفحه ۲۶۴.

۴۴- غرر الحکم، آمدی، ج ۱، ص ۹۴۳.

۴۵- غرر الحکم و درر الحکم، ج ۱، ص ۴۵۱.

- ۲۱- عدالت پیشگی در حکومت: امام علی(ع) می‌فرماید: کریم و بزرگوار، در زمان قدرتمندی گذشت می‌کند و به هنگام حکومت، عدالت پیشه می‌کند و از بدی کردن باز می‌ایستد و احسان خود را نثار می‌کند.^{۴۶}
- ۲۲- جود و بخشش: امام علی(ع) می‌فرماید: جود از گرمی بودن طبیعت سرچشمه می‌گیرد.
- ۲۳- نیکو بودن محضر کریم: امام علی(ع) می‌فرماید: کسی که اصل و ریشه‌اش کریم و بزرگوار باشد، محضرش نیکو است.
- ۲۴- کم شدن اختلاف با مردم: امام علی(ع): کسی که نفسش گرمی باشد، جدایی و ناسازگاریش با مردم کم است.
- ۲۵- شریف شدن نفس و آبادی آخرت: امام علی(ع) می‌فرماید: نفس خود را به انجام کارهای نیک و بر عهده گرفتن تاوان‌ها و قرض‌های مردم عادت ده، تا نفست شریف گردد و آخرت آماده گشته و ستایش‌کنندگان (و دعاگویان) تو بسیار گردد.
- ۲۶- صله رحم: امام علی(ع) می‌فرماید: ثمره و میوه کرم، پیوند با خویشان است.
- ۲۷- نیکو شدن کار و عمل انسان: امام علی(ع) می‌فرماید: کسی که اصل و ریشه‌اش کریم باشد، اعمالش نیکو می‌گردد. آن حضرت (ع) هم چنین می‌فرماید: بر تو باد به خصلت‌های گرمی، و احسان کردن به مردم؛ زیرا که این دو از افتادن در بدی باز می‌دارند و موجب جلالت و بزرگی خواهند بود.
- ۲۸- تحمل کردن آزار و اذیت دیگران: امام علی(ع) می‌فرماید: از طبیعت و سرشت کریم این است که اذیت دیگران را تحمل می‌کند.
- ۲۹- سیادت و سروری: امام علی(ع) می‌فرماید: کسی که کریم باشد، سیادت و سروری می‌یابد.
- ۳۰- وسعت و رزق: امام علی(ع) می‌فرماید: کسی که خلق و خویش کریم و گرمی باشد، روزیش فراخ گردد.
- ۳۱- گرفتار ترس و وحشت نشدن: امام علی(ع) می‌فرماید: آدم کریم هیچ‌گاه وحشت‌زده نشود.
- ۳۲- شادمان بودن نزد خداوند و داشتن هیبت و شکوه نزد مردم: آن حضرت(ع) هم چنین می‌فرماید: شخص کریم و بزرگوار در پیشگاه خدا شادمان بوده و پاداش دارد و نزد مردم محبوب و دارای هیبت و شکوه است.^{۴۷}[۲۳].

۴-۶- آسیب شناسی کرامت انسان

در مسیر کرامت ویژه انسانی، موانع، آفات و آسیب‌های جدی وجود دارد که برخی به رفتار و عمل انسان بر می‌گردد و برخی دیگر جنبه شناختی و معرفتی دارد. همچنین اینکه شناخت نادرست انسان از انسان و جهان هستی موجب آسیب پذیری کرامت انسانی می‌گردد. در زمینه کرامت انسانی تحقیقات زیادی صورت گرفته ولی آنچه که کمتر به آن پرداخته شده آسیب‌ها و موانع کرامت انسانی می‌باشد که انسان را از نیل به آن مقام ویژه و ممتاز باز می‌دارد و نمی‌گذارد از استعدادها و قابلیت‌های ویژه خود در راستای رسیدن به اهداف عالی انسانی بهره ببرد. از دیدگاه نهج البلاغه باور و شناخت نادرست انسان از جایگاه انسان در جهان هستی موجب سقوط او از مقام بلند کرامت انسانی می‌باشد. انسان وقتی خود و هدف مقصد اصلی خویش را شناخت و جایگاه واقعی خود را در نظام آفرینش کشف کرد دنیا و امورات آن او را به خود مشغول نخواهد ساخت بلکه تمام سعی و تلاش خود را برای نیل به هدف والای انسانی به‌کار خواهد گرفت. حضرت علی در نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ می‌فرماید: چنین انسان‌هایی زرق و برق دنیا چشمان‌شان را خیره نکرده و جواهراتش آنها را نخواهد فریفت؛ چنانکه به تعبیر آن حضرت برخی فریفته این امور شده است. در نظر آن حضرت جاهل به خود، جاهل و نادان محسوب می‌شود، گر چه عالم به تمامی علوم دنیا باشد. انسان اگر جایگاه خود را در نظام آفرینش نداند، شان و مقام خود را پایین آورده، به دست خود، نرخ و بهای خویش را پایین خواهد آورد. امیرالمومنین(ع) پایین‌ترین بهای انسان را بهشت دانسته، رضایت انسان به کمتر از آن را خسارت و فروختن خود به کمتر از واقعیت واقعی می‌داند: «خودفروشی یعنی خود را به دنیا فروختن؛ به مقام دنیا، ثروت دنیا، شهوت دنیا، مقام دنیا، لذت دنیا و ... که بدترین خسارت است». در نگاه امام، چقدر فاصله است بین مکتب لذت گرایی که از انسانیت، چیزی جز لذت نمی‌فهمد و مکتب علوی که اصلاً توجهی به لذت‌های فانی و زودگذر دنیا ندارد و به‌خاطر ناپایداری آنها را شایسته دلبستگی انسان نمی‌داند. زندگی برخی از انسان‌ها با یک زندگی حیوانی تناسب بیشتری دارد؛ یعنی همان اهداف و اغراضی را دنبال می‌کنند که حیوانات به‌دنبال آن هستند. انسانی که تمام همت و تلاش او بر خورداری از لذت‌های غریزی صرف مثل خوردن و آشامیدن باشد: «زندگی او یک زندگی حیوانی بیش نبوده و با کرامت انسانی فرسنگها فاصله دارد». امام مقام انسان را بالاتر از آن می‌داند که مثل حیوانات، فقط به فکر خوردن باشد و شان و منزلتی غیر از آن داشته باشد و از هدف متعالی انسانی باز ماند. تصاویر غلط و نادرست انسان از جهان هستی از دیدگاه نهج البلاغه ۱- حیات طبیعی محض ۲- نگاه استقلالی به دنیا ۳- نگاه بدبینانه به دنیا هستند. اگر برخی انسانها از نیل به هدف عالی و مقام کرامت ویژه انسانی بازمانند، حاصل نوع نگرش آنها و تصویری است که از دنیای پیرامون خود برای خویش ساخته‌اند. نگاه استقلالی و بدبینانه انسان به دنیا به او اجازه

نخواهد داد از فرصت‌های طلایی دنیا که برای رسیدن به قله‌های عالی انسانیت در اختیار وی قرار دارد و ابزار مناسبی برای رسیدن به مقام انحصاری کرامت انسانی است استفاده لازم و کافی را برده و در نتیجه از قافله انسانیت عقب خواهد ماند [۲۴].

۵- نتیجه گیری

انسان همان یگانه موجودی است که نه تنها ظرفیت بالقوه و استعداد پذیرش او را هیچ حد و مرزی محدود نیست، بلکه توان ظرفیت عرش الرحمان را نیز دارد. کرامت انسانی به معنای شرف، حیثیت و احترام ذاتی برای انسان‌ها است. کرامت چیزی جز انسانیت نیست و به همین دلیل هر انسانی، قطع نظر از اینکه دارای چه فکر و عقیده، و چه مذهب و آیینی می‌باشد، چون انسان است، پس صاحب کرامت است. واژه کرامت از ریشه کرم به معنی شرافت در ذات و شرافت در اخلاق است. کرامت را عبارت از بزرگواری، بزرگی، بزرگی ورزیدن، بزرگواری داشتن کسی و بخشندگی دانسته‌اند. از منظر قرآن کریم، کرامت به معنی دوری از پستی و فرومایگی و به عبارت دیگر، به معنی بزرگواری است. از دیدگاه حضرت علی (ع) همانا کرم عبارتست از اجتناب از بدی‌ها، کرم عبارت از خوش‌رویی و دوری از پستی‌هاست، کرم نتیجه بلند همتی است. امام علی (ع) اولین امام شیعیان، وصی منصوب پیامبر اعظم (ص) و تنها امامی است که حکومت بر جامعه اسلامی را به گونه‌ای گسترده تجربه کرده است. رفتار امام علی (ع) به عنوان خلیفه مسلمین و حاکم قدرتمند بخش بزرگی از کره زمین، بیانگر روش حکومت بر قلب‌ها می‌باشد. اندیشه‌های امام علی را می‌توان از منابع گوناگون روایی، تاریخی و کتب تفسیر، فقه ... بدست آورد. در این مقاله سعی شده سخنان امام را از نهج البلاغه و دیگر منابع بدست آید. در نظام هستی سه گونه کرامت می‌توان متصور شد: ۱- کرامت ملکوتی ۲- کرامت طبیعی ۳- کرامت انسانی که کرامت انسانی خود به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- کرامت ذاتی انسان ۲- کرامت اکتسابی انسان. از دیدگاه امام آدمی برای رسیدن به عزت و بزرگی سه اصل را می‌بایست رعایت کند، عبارتند از: ۱- ایمان و محبت به خدا. ۲- خضوع و خشوع در محضر خداوند متعال. ۳- اطاعت محض از پروردگار عالمیان. در خطبه نخست نهج البلاغه، پس از بیان خلقت مادی انسان از خاک و تشکیل جسمانی او از عناصر مادی، آمده است: سپس در آن خاک (بدن خاکی و مادی انسان) از روح خود دمید، پس تمثلی انسانی پیدا کرد. این بیان در آیات دوازده تا چهارده سوره مؤمنون آمده و وجود انسان را از موجودات دیگر متمایز کرده است. بر اساس این خطبه، تمثّل حقیقی انسان پس از نفخ روح است، یعنی شکل‌گیری بدن مادی انسان، مربوط به مجسمه یا بدن انسان است؛ نه خود انسان، و تنها پس از آنکه روح در او دمیده شد، تمثّل انسانی یافت و عنوان انسان بر او صادق شد. در حکمت ۴۷ ارزش انسان به چهار دسته تقسیم می‌شود: ۱- ارزش هر کس به اندازه همت اوست. ۲- راستگویی و صداقت هر کس به اندازه شخصیت اوست. ۳- شجاعت هر کس به اندازه بی‌اعتنایی او (به ارزش‌های مادی) است. ۴- عفت هر کس به اندازه غیرت اوست. در این مقاله بیان شده است که برای هر صفت و خصلت انسانی نشانه‌ها و آثاری است که در خلق و خوی بشر خود را نشان می‌دهد. کسی که اهل تقواست می‌بایست اهل کرامت باشد، از آن جایی که نمی‌توان تقوا که امر باطنی است را به سادگی ردگیری کرد و در شخص شناسایی نمود، می‌بایست به آثار و بازتاب‌های آن توجه یافت؛ از آن جایی که مهم‌ترین برآیند و بازتاب تقوای الهی شخص همان کرامت انسانی اوست، پس می‌بایست اهل تقوا را به کرامت شناخت. اهل کرامت نیز نشانه‌هایی دارند مانند: صبر و شکیبایی، رفق و مدارا، نرمی و ... می‌باشد. در مسیر کرامت ویژه انسانی، موانع، آفات و آسیب‌های جدی وجود دارد که برخی به رفتار و عمل انسان بر می‌گردد و برخی دیگر جنبه شناختی و معرفتی دارد. همچنین اینکه شناخت نادرست انسان از انسان و جهان هستی موجب آسیب‌پذیری کرامت انسانی می‌گردد. در زمینه کرامت انسانی آسیب‌ها که انسان را از نیل به آن مقام ویژه و ممتاز باز می‌دارد و نمی‌گذارد از استعدادهای و قابلیت‌های ویژه خود در راستای رسیدن به اهداف عالی انسانی بهره ببرد. از دیدگاه نهج البلاغه باور و شناخت نادرست انسان از جایگاه انسان در جهان هستی موجب سقوط او از مقام بلند کرامت انسانی می‌باشد.

۶- منابع

- [۱]: جلالی، محمود. بهزادی بیرک علیا. کرامت ذاتی انسان، نقطه اشتراک دکتربین مهدویت و اعلامیه جهانی حقوق بشر. مجموعه آثار چهارمین همایش بین المللی دکتربین مهدویت (ج ۲). ص ۱۴۱، ۱۴۹.
- [۲]: سیدی نیا، سید اکبر. کرامت انسانی و اقتصاد. فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی. ۱۳۸۷.
- [۳]: طباطبایی، سید محمد کاظم. کرامت انسان در سخن و سیره‌ی امام علی (ع). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۸۶.
- [۴]: ال غفور، سید سجاد. کرامت انسان در نهج البلاغه. ۱۳۸۷.
- [۵]: قاضی زاده، کاظم. حسینی، سید حمید. مبانی کرامت انسان در آموزه‌های امام علی (ع). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۸۶.
- [۶]: طاهری، ابوالقاسم. کرامت انسان در اندیشه امام علی (ع). مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی. ۱۳۸۴.
- [۷]: عالمیان، علی اکبر. کرامت انسانی نهج البلاغه. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۸۶.
- [۸]: علیخانی، علی اکبر. کرامت انسانی در سیره امام علی (ع). ۱۳۹۵.
- [۹]: یادداشت‌های استاد مطهری ج ۶ ص ۴۸۲، ۴۸۱ و ۴۹۲.
- [۱۰]: الخلیل الفراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۳۶۸.
- [۱۱]: مصباح احمد، فیومی، مصباح المنیر، و.ر.ک: مجمع البحرین، ج ۶، ص ۶۵۳.
- [۱۲]: ر. ک: لسان العرب. ج ۱۲. ص ۵۱۶-۵۱۰. فرهنگ لاروس، ج ۲.
- [۱۳]: جوادی آملی، عبدالله. کرامت در قرآن. ص ۲۲، ۲۱ و ۲۰۴. ۱۳۸۱.
- [۱۴]: علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ص ۱۹۲.
- [۱۵]: محمدتقی جعفری، ص ۲۸۳، ۲۸۲ و ۲۹۱.
- [۱۶]: نهج البلاغه، ص ۴۲۸.
- [۱۷]: شریفه، صالحه. جایگاه انسان در اندیشه و سیره امام رضا (ع). همایش فرهنگ و هنر رضوی در خراسان جنوبی. سال ۱۳۸۸.
- [۱۸]: غفار زاده، علی. کرامت انسان در افق قرآن. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه اصفهان.
- [۱۹]: عزیزیان، محسن. کرامت از دیدگاه نهج البلاغه. سومین همایش نهج البلاغه در همدان. ۱۳۹۳.
- [۲۰]: عزیزیان، محمد. قدر و ارزش انسان در نهج البلاغه. شبستان. ۱۳۹۴.
- [۲۱]: -----: حقیقت انسان و انسانیت در نهج البلاغه. خبرگزاری فارس حوزه دین پژوهی. ۱۳۹۶.
- [۲۲]: -----: ارزش و اعتبار هر انسان. پایگاه اطلاع رسانی حوزه. ۱۳۹۵.
- [۲۳]: منصوری، خلیل. نشانه‌ها و آثار کرامت انسان. ۱۳۹۴.
- [۲۴]: بهروز، صمد. نصری، عبدالله. آسیب شناسی کرامت انسان از منظر نهج البلاغه (عوامل و زمینه‌سازهای معرفتی). دو فصلنامه علمی-پژوهشی انسان پژوهی دینی. ۱۳۹۴.